

سرشناسه	: محمدعلی، محمود، ۱۳۲۱-
عنوان فرارادادی	: النحوالعربی و علاقته بالمنطق، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: زبان و اندیشه در جهان اسلام / محمود محمدعلی، مترجم احسان پشتمشهدی.
مشخصات نشر	: تهران: آس، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۸۳ ص.
شابک	: 978-622-6343-34-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: زبان عربی - نحو، Arabic language - Syntax، منطق، Logic
شناسه افزوده	: پشتمشهدی، احسان، ۱۳۶۲ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۶۱۵۱PJ
رده بندی دیویی	: ۷۵/۴۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۹۱۵۳۵۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا



دفتر انتشارات: خیابان انقلاب، خ فخر رازی، کوچه فاطمی داریان، پلاک ۱۴

همراه: ۰۹۱۲۱۷۲۵۸۰۰

تلفن: ۶۶۹۷۷۹۶۵

www.sababook.ir

۰۹۳۶۳۷۲۵۸۰۰

■ زبان و اندیشه معاصر در جهان اسلام

- ◆ نویسنده: محمود محمدعلی
- ◆ مترجم: احسان پشت مشهدی
- ◆ ویراستار: گل ناز صامت
- ◆ طراحی و صفحه آرایی: آتلیه گرافیک آس
- ◆ ناشر: آس
- ◆ چاپ و صحافی: خانه چاپ
- ◆ چاپ اول: ۱۴۰۲
- ◆ شابک: ۳-۳۴-۶۳۴۳-۶۲۲-۹۷۸
- ◆ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
- ◆ قیمت: ۲۷۰۰۰۰ تومان
- ◆ کلیه حقوق مادی و معنوی برای انتشارات آس محفوظ می‌باشد. تکثیر یا تولید مجدد آن بدون (چاپ فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

فهرست

۹.....	مقدمه مترجم.....
۲۱.....	مقدمه مؤلف.....
۳۹.....	منابع مقدمه.....

فصل اول: پیشگامان نحو و منطق

۴۵.....	مقدمه.....
۴۷.....	ماهیت رابطه بین نحو و منطق در یونان و راه‌های انتقال آن به سریان.....
۵۷.....	نحو یونانی و راه‌های انتقال به سریان.....
۶۷.....	منطق ارسطویی و راه‌های انتقال آن به عرب.....
۷۱.....	ارغنون ارسطو چگونه به عرب انتقال یافت.....
۷۶.....	دوره اول.....
۷۷.....	دوره دوم.....
۷۹.....	دوره سوم.....
۸۳.....	منابع فصل اول.....

فصل دوم: تأثیر یونانی و سریانی بر نحو عربی بین رد و قبول

مقدمه	۹۱
مصادر سریانی	۹۸
رای عربی اسلامی و نقد تأثیر بیگانه بر نحو عربی	۱۰۸
رد فکر معجزه زبانی نزد عرب	۱۱۴
منابع فصل دوم	۱۲۳

فصل سوم: تفسیر معرفت‌شناسی شکل‌گیری نحو عربی

مقدمه	۱۳۱
شرایط و انگیزه‌های شکل‌گیری نحو عربی	۱۳۵
صورت نحو عربی و شخصیتی که کشف مباحث نحو در دوره آغازین	۱۴۶
بعد شیعی	۱۵۶
بعد منطقی	۱۵۹
منابع فصل سوم	۱۶۹

فصل چهارم: رویکرد تجربی در کتاب سیبویه

مقدمه	۱۷۷
کتاب سیبویه؛ منزلت و تحلیل محتوای آن	۱۸۰
تحلیل اصطلاحات سیبویه	۱۹۵
کتاب سیبویه بین تبعیت یا اصالت	۲۰۲
اصالت اسلامی روش سیبویه	۲۰۴
منابع فصل چهارم	۲۱۳

فصل پنجم: مدارس بصره و کوفه و آغاز امتزاج نحو با منطق
(دو نمونه المبرّد و الفراء)

مقدمه.....	۲۲۱
اول: المبرّد، روشمندی در پژوهش نحو و آغاز امتزاج نحو با منطق.....	۲۲۸
الفراء و آغاز مزج نحو کوفی با منطق.....	۲۴۲
رأی اول: اصالت اسلامی روش الفراء.....	۲۵۰
رأی دوم: اصل یونانی روش الفراء.....	۲۵۲
منابع فصل پنجم.....	۲۶۱

فصل ششم: طرح پیوند منطق و نحو نزد نحویون قرن چهارم هجری

مقدمه.....	۲۷۳
ابوبکر سراج.....	۲۸۰
ابوالقاسم زجاجی.....	۲۹۰
ابوسعید سیرافی.....	۲۹۸
ابوعلی فارسی.....	۳۰۶
علی بن عیسی رمانی.....	۳۱۲
منابع فصل ششم.....	۳۱۹

فصل هفتم: جدل بین منطق و نحو و سعی فارابی و غزالی در مهار هر یک

مقدمه.....	۳۲۹
افکار اساسی محتوای مناظره.....	۳۳۲
رابطه بین زبان و اندیشه نزد فارابی.....	۳۴۹
منطق و فقه نزد غزالی.....	۳۶۱
منابع فصل هفتم.....	۳۷۳

فصل هشتم: ابن حزم و چالش فرهنگ منطقی نحویون اندلس

۳۸۱	مقدمه
۳۸۶	فرهنگ منطقی چگونه به نحویون اندلس رسید
۳۹۶	دلایل ابن حزم برای ابطال قیاس فقهی
۴۰۰	توجیه پیروزی طرح غزالی بر طرح ابن حزم
۴۱۳	فرهنگ منطقی نزد نحویون اندلس (بررسی مورد بطلیوسی)
۴۳۱	منابع فصل هشتم

فصل نهم: طغیان گرایش منطقی نزد نحویون متأخر

۴۴۱	مقدمه
۴۴۷	الف- تعاریف یا حدود
۴۴۸	ابن هشام
۴۵۴	الصبان
۴۵۶	ابن ناظم
۴۵۸	ب- علت و تعلیل
۴۶۳	مرحله نخست
۴۶۵	مرحله دوم
۴۶۶	مرحله سوم
۴۶۷	مرحله چهارم
۴۷۵	ج- نظریه عوامل
۴۸۲	د- قیاس
۴۹۱	منابع فصل نهم
۴۹۹	خاتمه
۵۰۹	مراجع
۵۳۵	مراجع انگلیسی

مقدمه مترجم

«بدان که بنا به نظر اهل علم اصطلاح زبان به یکسان هم برای معنایی به کار می‌رود که در ذهن است و هم برای صدایی شده که شنیده می‌شود. .. ابو حسیب بصری (متوفی ۴۳۶هـ) می‌گوید گفتار از صداهایی که شنیده می‌شوند و متمایز و قراردادی‌اند تشکیل می‌شود.» (فخر رازی، الحصول فی علم اصول فقه، متوفی ۶۰۶هـ)

سخن فوق را شاید بتوان عصاره و تارک اندیشه عصر عزت مسلمین دانست که اکنون در عصر نهضت می‌توان و می‌بایست که در پرتو اندیشه جدید به بازخوانی آن اقدام نمود. کتاب پیش رو تمهیدی است بر خوانش جدید قدیم (بازخوانی) تا بتواند در پرتو این بازخوانی به محک قدیم با جدید (نقد) دست یابد و زمینه اندیشه به زبان را دوباره فراهم کند. اندیشه به زبان بدون روایت زبان ممکن نیست. اندیشه در فضای خالی و بدون محتوا ناممکن است. بنابراین روایت مقدمه تحلیل و

اندیشه خواهد بود. اکنون نیز در پی گسست حاصل با قدیم به دلیل هجوم جدید نیاز به روایت قدیم برای از سرگیری اندیشه جدید بیشتری می‌یابد و اگر بخواهیم بدون پرداخت روایت قدیم پا به عرصه اندیشه گذاریم به دامن تکرار زرد قدیم یا جدید فرومی‌افتیم و در نهایت هم اگر هنری کنیم به پندار تطبیق قدیم و تقلید از جدید اندیشه را تباه می‌سازیم.

اثر پیش رو تلاش شایسته‌ای در زمینه روایت زبان عربی به عنوان زبان تفکر قدیم ماست. روایتی که چون قوام یابد زمینه تحلیل و اندیشه نوین را ممکن می‌سازد. روایت زبان چنان امری همیشه بوده که رفته‌رفته کاربرد می‌یابد و سپس در تاریخی برای آن قواعد وضع می‌شود و بعد آن قواعد نظم می‌یابد و در نهایت چه بسا برای نظم آن علت‌جویی شود. روایت چگونگی شکل‌گیری قواعد زبان و سپس نظم قواعد آن؛ روایت برخورد نحو عربی با منطق یونانی و چگونگی کنش و برهم‌کنش آنها از تضاد تا تلفیق و در نهایت تلاش برای استقلال از یکدیگر.

در نتیجه تضاد، تلفیق و سپس سعی در استقلال نحو عربی با منطق یونانی بود که پرسش از رابطه زبان و اندیشه در جهان اسلام شکل گرفت. پرسشی که امروزه می‌دانیم در نظام تفکر اهمیت به‌سزایی یافته است چرا که زبان بیش از آنکه می‌پنداشتیم مولد و محدودده تفکر ماست. بنابراین ضرورت روایت قوام نحو تنها یک ضرورت مربوط به معارف عربی و تاریخی نیست بلکه ضرورت یک پرسش فلسفی و مسأله‌امروزی است. چرا که در بستر رشد نحو و سپس ورود منطق بود که

مسأله زبان و اندیشه در حوزه تفکر رخ نمود. بنابراین از سرگیری این پرسش اصیل فکری جز با روایت آن ممکن نشود و حتی عدم روایت آن موجب ناخودآگاهی ما خواهد شد. اگر از فکری آگاه نباشیم دلیل نمی‌شود که آن در ما حاضر نباشد و بنابراین ناآگاهانه در بهترین حالت به تکرار همان سرنوشت خواهیم پرداخت تازه اگر به پای آن برسیم.

روایت آغاز نحو و قاعده‌مندی زبان عربی که بعدها نه تنها زبان دیانت که زبان تجارت، حقوق و زبان اندیشه گشت و سبب حرکت جمعی جهان اسلام به سوی خردورزی شد در تاریکی و روشنی است. روایات مختلف و گاه متضاد از شکل آغاز نحو عربی گواه این نکته است. از نقاط قوت اثر روایت‌سنجی است که با جمع روایات آغاز نحو می‌تواند نقاط مشترک را استخراج نماید و سپس با زمان‌سنجی (ترتیب روایات زمانی) روایات بعید را حذف کند و در نهایت با سیاست‌سنجی آنها روایات سوگیر به نفع و ضد یک مکتب را کنار نهاد تا در پرتو همه آنها بتواند به روایت مقبول نزدیک گردد.

روایات آغاز نحو را به فساد عارض بر زبان مربوط می‌دانند که به نوبه خود ناشی از شیوع لهجه در عراق بود. محل برخورد زبان‌ها با یکدیگر و مکانی چندزبانه که مدارس کهن آن در دست‌نویسی و تعیین قواعد برای زبان‌های دیگر به خصوص سریانی سابقه داشتند. قرائت قرآن و تفسیر آن نیز دیگر وجه مسألتی بود که ضبط و تدوین قواعد زبان را ضروری می‌نمود. از همین رو ظهور مسأله و وجود سابقه قابل تطبیق موجب اقتباس آگاهانه و جد و جهد برای تدوین علم زبان گشت. تدوین نحو و دستور زبان در این مرحله به تعبیر مؤلف در سطح وصفی

بود. قرائت، اصلاح خط، اعراب و گام‌های اولیه معناشناسی همچون مباحث اولیه ترادف و شیوه‌های متنوع بیان همچون حمل، استثناء و اضممار و... از مباحث این دوران است. تلاش ابوالاسود دؤلی برای ضبط مصحف به شیوه اعراب و تنقیط و تفاسیر اولیه قرآن را می‌توان در پرتو این مرحله دید.

پس از ضبط قرائت و تصحیح خط زبان با اعراب نوبت فرهنگ‌نگاری واژگان زبان می‌رسد تا بحث الفاظ و معانی زبان از سطح گفتار به کتابت ارتقا یابد. تلاشی که هم‌راستا با مباحث آواشناسی حروف است و در کتاب العین خلیل بن احمد استاد سیبویه تجلی می‌یابد.

الکتاب سیبویه نقطه عطفی در تاریخ نحو عربی است چرا که قواعد نحو و دستور زبان به صورت عام تدوین می‌یابند. شیوه وی بنا به استقراء واقعیت کاربردی زبان است و با تعیین روابط میان پدیده‌های زبانی بر اساس تشابه، به تعیین قواعد عام حاکم بر آنها می‌پردازد. از همین رو مؤلف دو مرحله اخیر را مرحله تجربی زبان می‌داند که فرهنگ واژگان و قواعد دستور زبان مدون می‌گردند. تعبیر رایج «آنها می‌گویند...» در الکتاب نشان از رویکرد استقرائی وی به قواعد زبان است. زبان بنا به قواعد وضع نمی‌شود و بنا به قیاس با قواعد به پیش نمی‌رود بلکه بنا به کاربرد زبان است که قواعد وضع می‌شوند. علاوه بر رویکرد استقرائی به زبان نطفه درک تبیینی از زبان نیز در این مرحله بسته شد که در مراحل بعدی به اوج خود می‌رسد.

زبان هرچند بنا به استقراء کاربرد قاعده‌مند می‌گردد ولی تنها یک ابزار نیست بلکه مُبیین نظامی از اندیشه به پدیده‌ها است. زبان نه تنها بیان‌گر پدیده‌ها که تبیین‌گر آنها نیز هست. از همین رو با ورود منطق یونان و ترجمه و هضم آن در جهان اسلام تصادم آن با نحو اجتناب‌ناپذیر بود. چرا که آنها دو نظام تبیین متفاوت بودند و نه آنکه نحو صرفاً بیان پدیده و منطق نظام تبیین پدیده باشد. برخوردی که بیش از هر جا در مناظره ابوبشر متی منطقی و سیرافی نحوی نمودار است و تحلیل آن در کتاب آمده است. نکته مهم آنکه مناظره اخیر را نه تنها مناظره نحو و منطق یا قدیم و جدید و یا شرع و عقل که مناظره دو نظام تبیین و بنابراین مناظره دو نوع عقلانیت بخوانیم که هر یک رویکرد خاص خود را به پدیده داشتند و از ابزار تبیین خاص خود بهره می‌بردند. جالب آنکه سمت نحو در این مناظره بر پیوستگی تام زبان و اندیشه تأکید می‌کند و طرف منطق بر بی‌نیازی کامل اندیشه از زبان؛ از همین رو بر جدایی لفظ از معنا تأکید می‌ورزد تا منطق را به معنای عام و جهان شمول ربط دهد که در زبان خاص جامه الفاظ و قواعد خاص بر خود می‌پوشد. بنابراین در طرف فلسفه تقسیم کاری میان نحو و منطق صورت می‌گیرد که نحو به الفاظ و منطق به معانی معقول مربوط می‌شود و به تعبیر فارابی: «منطق متناظر با علم نحو است. زیرا رابطه علم منطق با عقل و معقولات مساوی رابطه علم نحو با زبان و عبارات است. قواعدی که علم نحو برای عبارات ارائه می‌دهد نظیر قواعدی است که علم منطق برای معقولات ارائه می‌دهد.» فارابی با جدایی معقول از منطوق و معنا از